

۲۲ بهمن، ۲۲ خرداد، تشابه‌ها و تفاوتها

م. نکوکار

چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۹ - ۷ آوریل ۲۰۱۰

سال ۱۳۵۷، ملتی برخاست و با اتحاد رژیم دیکتاتوری را برنداشت، آنچه که جایگزین این رژیم شد معجونی بود از عناصری تا آنزمان ناشناخته که در ابتدا با چهره‌ای

پوشانده در زیر ماسک ضد امپریالیستی، پر سابقه‌ترین نیروهای سیاسی مملکت را چنان به بیراهه کشید که سالها طول کشید تا دریابند که چه بر سرشان آماده است.

در این میان در حالیکه نیروهای سیاسی درگیر مشکلات درون سازمانی، و سئوالات متعددی در مورد ماهیت رژیم بودند بقول عزیز شاعر "همه با من از دل شعار همه

با هم درآمد". زنان که وعده آزادی آنان داده شده بود وقتی با شعار یا روسری یا توسری مواجه شدند، چند صباحی به خیابانها ریختند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند،

بعضی از گروههای سیاسی که لحظاتی سر از لاک مشکلات درون سازمانی و معضلات تحلیل اوضاع در آوردند به غرولندی بسنده کردند و خاموش شدند، نتیجه آن شد که کمتر از یک سال بعد از بهمن ۵۷ حجاب اجباری تبدیل به عادی‌ترین پدیده در زندگی روزمره ایران شد. اوایل سال ۵۹ دانشگاه‌ها مورد حمله وحشیانه قرار گرفت و تحت

لوی انقلاب فرهنگی بسته شدند، و بد از آن هزاران دانشجو که در واقعی موتور محرکه انقلاب بودند هرگز دوباره به دانشگاه راه نیافتند، و در ادامه همین رویه

سالهای بعد هم با افزودن هر روزه انواع سهمیه بر دانشگاه‌ها آن رفت که همه دیدیم، از همه ناگوار تر اینکه این ستم آشکار هم به امری عادی تبدیل شد و انگار

که هیچگاه بهتر از این نبوده است! از این نمونه‌ها فراوان میتوان نام برد، سرکوب کردستان، کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ و... هدف از تکرار این داستان که

امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست تشابهی نسبی شرایطی است که بعد از خرداد ۸۷

در ایران اتفاق می‌افتاد: ندایی در خون غلتید و تمام دنیا را

متوجه جنایاتی کرد که در آن لحظه رخ دادند، امروز بعد از گذشت حدوداً نه ماه از آن تاریخ، باید در لابلای سایر خبرها و با حروفی ریز خواند که جنازه دو تن از دستگیر شدگان مراسم تشییع جنازه آقای منتظری چندی پیش به خانواده‌های آنان تحویل داده شد!!

اخبار اعتصاب غذای زندانیان و دچار شدن آنان به انواع امراض در اثر شرایط مخوف زندانهای رژیم هر روز بیشتر در حد خبر باقی میماند و ظاهراً کمتر کسی را تکان میدهد. آدم ربایی، بازداشت‌های بی دلیل خیابانی، هجوم شبانه به منازل فعالانی از هر نوع و صنفی ظاهراً کم کم فقط تبدیل با وسیله‌ای میشود که ستون خبرها و اعلامیه‌ها را پر کند و چنانکه این روال ادامه پیدا کند و مردم و گروه‌های سیاسی به روزمرگی فاجعه عادت کنند بیم آن میرود که این فرهنگ بی قانونی و فاجعه آفرینی در دل جامعه نیز نفوذ کند. و این همان سمتی است که جمهوری اسلامی برای حفظ موجودیت خود تلاش در سوق دادن جامعه به آنسو را دارد. آنچه که مسلم است سیاست‌ها و طرفندهای جمهوری اسلامی در راستای نهادینه کردن ترور، وحشت و فاجعه در طی ۳۱ سال گذشته آن ثمری را که خواسته است به بار آورده بنابراین آنها تا بتوانند به این سیاستها ادامه بدهند داد، آنچه که تا به امروز مانع تطابق کامل شرایط با سالهای قبل از خرداد ۸۷ شده است از طرفی هشیاری و آگاهی

بیشتر مردم و استفاده آنها از امکانات بسیار محدود موجود در راه خبررسانی است به همین دلیل امروز مقامات جمهوری اسلامی اینترنت و ماهواره را در ردیف دشمنان

شماره یک نظام قرار داده اند. از طرف دیگر مباحث فراگیری که در رابطه با جنبش آزادیخواهی مردم ایران در همه سطوح در بین گروههای سیاسی و روشنفکران در جریان است و گاهی موجبات نزدیک شدن گروه‌ها را به هم فراهم کرده است تا به امروز باعث شده است که تنور مبارزات سرد نشود. جنبش آزادیخواهانه مردم ایران در روزهای

بعد از ۲۲ خرداد یکبار دیگر زنگ خطر را برای نیروهای سیاسی و مبارز راه آزادی به صدا درآورد و نقاط ضعف آنها را بی تعارف در مقابلشان قرار داد با این تفاوت

اساسی نسبت به گذشته که امروز جنبش با متانت و هوشیاری فرصت کافی در اختیار این جریانها و احزاب قرار داده است که در راه از بین بردن ضعفها و کمبودها تلاش

کنند. اما آنچه که نباید فراموش کرد و من قبلا هم به این مساله اشاره کرده‌ام این است که زمانی که در اختیار داریم بی نهایت نیست، *تلاش‌هایی که ماه‌های

اخیر در راه رسیدن به نقطه نظرات مشترک از جانب بسیاری از نیروها آغاز شده است در عین حالی که بسیار ارزشمند است، هنوز نشانه‌های نگران کننده‌ی از تشتت و

پراکندگی که دهها سال است دامنگیر جنبش آزادیخواهی مردم در وجه عام آن است به چشم می‌خورد*. این پراکندگی از نظر من تا حدی هم معلول عدم شفافیت در اعلام مواضع پاره‌ای از گروه‌ها میباشد، خصوصا آنجایی که صحبت براندازی جمهوری اسلامی به برای رسیدن به دمکراسی مورد نظر تقریبا تمام اقشار مردم و احزاب

مبارز مطرح میشود. مگر غیر از این است که عملی شدن شعارهای که از اصلاح قانون اساسی گرفته تا انتخابات آزاد و ایجاد جمهوری فدرال دمکراتیک و غیره با

وجود اصلی به نام ولایت فقیه غیر قابل تحقق میباشد؟ پس چرا این امکان وجود ندارد که با تعیین شعارهای مرحله‌ی مشترک راه را برای ایجاد یک پلتفرم قوی که

بتواند ادعای نمایندگی جنبش را داشته باشد هموار کرد؟ پلتفرم و جبهه‌ی که در عین حال امکان تمرین دموکراسی را برای تمام گروه‌ها و احزابی که دأعیه دموکراسی

دارند فراهم می‌کند، تمرینی که چنانکه موفقیت آمیز باشد میتواند در فردای بعد از جمهوری اسلامی یک حاکمیت مبنی بر دموکراسی و حقوق بشر را که با آرای مردم

ایجاد خواهد شد تضمین کند. آیا با توجه به مهلت کمی که در اختیار داریم وقت آن نرسیده که از هر لحظه برای رسیدن به اتحاد عمل استفاده کرد؟ همانطور که

جمهوری اسلامی هم از هر تنفسی که می‌گیرد با استفاده از تجربیاتی که کسب کرده است به بهترین شکل در سازماندهی مجدد نیروهایش استفاده می‌کند. آیا نیروهای ترقیخواه و آزادی طلب میتوانند ادعا کنند که آنها هم از فرصتهای موجود بهترین استفاده را کرده و میکنند؟ اگر پاسخ این پرسش نه است - که به نظر من چنین است- و اگر اقدامی در راه رفع این ضعف اساسی انجام نگیرد، باید نگران آن بود که حرکت و خیزش‌های مردمی در آینده محملی برای به قدرت رسیدن نیروهای گردد که

رهبری آنان نتیجه‌ای جز سازش و شکست نخواهد داشت.

از نظر من آنچه که شرایط امروز جنبش پیش روی نیروهای دمکرات و

ازاديوخواه خصوصا در خارج از ايران قرار ميدهد عبارت است از ضرورت تشكيل يك كميته متشكل از افراد شناخته شده و قابل اعتماد اكثريت و نمايندگان احزاب و جريانهاي مختلف كه بتواند تلاشهاي پراكندهاي را كه در راه ايجاد يك جبهه مشترك در نقاط مختلف جهان انجام ميگيرد تا حد ممكن هماهنگ کرده و در عين حال تلاش كند كه امكانات پراكنده يي كه به شكل منفرد در اختيار پاره يي از نيروها وجريانها قرار دارد مثل فرستنده هاي ماهواره يي به بهترين شكل ممكن در اختيار تمام جنبش قرار گيرد تا از اين طريق با هماهنگي و قدرت بيشتر بتوان با مبارزات داخل ارتباط و هماهنگي برقرار كرد. در رابطه با خارج از كشور اين كميته قادر خواهد بود كه در آينده حرکاتى بسيار گسترده تر از آنچه كه تا كنون شاهد آن بوده ايم در راه جلب افكار عمومي مردم جهان به مبارزات مردم ايران و جنايات جمهورى اسلامى سازمان دهى كند تا با استفاده از آن بتواند دولتها را براى حمايت از اين مبارزات و محكوميت جمهورى اسلامى تحت فشار قرار دهد و ترفندهاي آنان را در جهت سوق دادن ايران به سوى يك جنگ تمام عيار براى مردم جهان آشكار كنند. در اين ميان و تا زمانيكه چنين ارگاني موجوديت نيافته است يكي از وظايف اساسى تمامي گروهها افشاگرى جنايات جمهورى اسلامى در وسيع ترين سطح ممكن ميباشد.

به قول شاعر بزرگ اذربايجان: فرصتى فوت ايلمس عاقل مگر نادان
اولا"